

(This question paper contains 2 printed pages)

Roll No.

Sl. No of Question Paper: 5318

Unique Paper Code: 209351

Name of the Paper: Prose & Translation

Name of the Course: B. A. (Prog.) Persian Discipline

Semester: III

E

Time: 03 hrs.

Maximum Marks: 75

(Unless otherwise required in a question, answers may be written either in Persian or in English or in Hindi or in Urdu, but the same medium should be used throughout the paper)

Q.1 Translate any Two of the following passages into English or Urdu or Hindi: 30

از متون زیر فقط دو را به زبان انگلیسی ، هندی یا اردو ترجمه کنید:

(A)

راهشان هم یکی شده بود همراه شدند. اتفاقاً در راه گرفتار دزدیهای گزیده بند شدند و رهنشان همه دارایی آنها را گرفتند و آنها را با یک پیراهن و زیر جامه رها کردند. حالا علاوه بر همکاری و همراهی همدرد هم شده بودند و چون نمی خواستند دست خالی به وطن شان برگردند وارد شهری غریب شدند و قرار گذاشتند که در آنجا کاری پیدا کنند و با صرفه جویی قدری پول پس انداز کنند و بعد از آنکه دوباره سرمایه ای پیدا کردند مانند سابق به کار شان بپردازند و با سرو سوغات و جنس و پول پیش خانواده شان برگردند.

(B)

سکوتی مرموز در صحرا حکمفرما بود و خورشید در سینه نیلگون آسمان می درخشید. رستم به آسمان چشم دوخته بود. نور ملایم خورشید چشمهای خسته اش را نوازش می داد. در همین حال پلکهایش را روی هم گذاشت و به خوابی عمیق فرو رفت. چون خواب تهتمن سنگین شد، تنی چند از سواران توران، از دور پدیدار شدند. آنها نزدیک تر آمدند و اسبی را دیدند که پیکر و کشیده اندام که بند گسسته ، در دشت رها شده بود. باز نزدیکتر آمدند، سوارش را خفته یافتند، کمند از زین گشودند و در پی گرفتن اسب برآمدند، رخس شیه ای کشید و بر روی دویای خود بلند شد.

(C)

در آن زمانها اسیران جنگی را به شهرهای دوردست می بردند و مانند حیوانات آنها را خرید و فروش می کردند و پولدارها برای بندگی و غلامی و کنیزی آنها رامی خریدند و این غلام و کنیزهای زر خرید که هیچ آزادی و اختیاری نداشتند. زندگی سختی داشتند تا وقتی که کسی از روی خیر خواهی آنها را آزاد کند. این فتحی هم جزو غلامان و بندگان

بود اما چون خیلی با هوش و با استعداد بود در دستگاه خلیفه هنرها و ادبها یاد گرفته بود.

Q. 2. Reproduce the following passage in simple Persian:

15

گویی دیدن گله های فراوان گورخر ، موجب تعجب او می شد. تهمتن اسب خود را با خوشحالی به سوی آنها پیش راند و به تندی کمند بر کشید و آن را تاب داده به سوی آنها افکند. گوران از پس و پیش می گریختند ، اما مدتی نگذشت که گور خری شکار کرد. آنگاه درختی را بینداخت و با آن آتشی برافروخت و گور خری را بر آن نهاده و بریان کرد و خورد. بعد از رفع تشنگی از سیزه ها بستری نرم ساخت تا اندکی استراحت نماید و رخس را بند گسسته در صحرا رها کرد؛ تا بچرد

Q.3. Write a summary of any ONE of the following:

10

۱. داستان سیاوش
۲. عیدی
۳. کودک هوشیار

Q. 4. Give an account of life and works of any ONE of the following:

10

۱. فردوسی
۲. علی اصغر حکمت

Q. 5. Translate the following sentences into Persian:

10

1. There is a black cat in the room.
2. Delhi University is a big University.
3. There are many orange trees.
4. They are good students.
5. Zahid is not a good driver

.....x.....